

## بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان جهان

سیدمحمد شبیری\*

حسین میبودی\*\*

عادلہ سرادی‌پور\*\*\*

### چکیده

چالش‌های موجود و پیش‌روی بشر امروز، از قبیل مسائل اقتصادی، محیطی و اجتماعی، از چالش‌های مهم قرن جدید هستند. به منظور حل این مشکلات از سوی صاحب‌نظران، ایجاد اخلاق زیست‌محیطی مطرح گردیده است. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و در هفت گام با بررسی طرح ضرورت اخلاق زیست‌محیطی در جامعه، الگویی از عوامل مؤثر بر ایجاد اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان جهان را طراحی و روابط بین آنها را تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد ده مؤلفه تأثیرگذار بر اخلاق زیست‌محیطی وجود داشت. اطلاعات زیست‌محیطی، آگاهی زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی، نگرانی زیست‌محیطی، مذهب، عوامل اقتصادی، رفتار مسئولیت‌پذیرانه نسبت به محیط‌زیست، احساس مسئولیت، آموزش حفاظت از محیط‌زیست و سواد زیست‌محیطی از جمله عوامل مؤثری هستند که به آنها اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق زیست‌محیطی، آموزش حفاظت از محیط‌زیست، شهروندان.

## مقدمه

خودخواهی‌ها، عدم احاطه به مصالح عمومی حال و آینده افراد و نیز عدم آشنایی با نیازهای جسمی، روحی و روانی افراد، نمی‌تواند از سوی خود اصولی را تدوین نماید که جوابگوی همه این موارد باشد؛ بنابراین، باید با الهام گرفتن از منابع لایزال الهی آن اصول را تدوین کرد تا تعامل انسان و محیط‌زیست را به‌روشنی بیان نماید.

حتی سطحی‌نگرترین هواداران حفظ محیط‌زیست قبول دارند که ما وظایفی فراتر از آسایش کنونی‌مان داریم. کسانی که به آنچه برای کودکان و نواذگان ما روی خواهد داد توجهی ندارند، آشکارا انسان‌هایی پست‌اند. همه می‌دانیم اینکه عده‌ای بگویند: پس از مرگ ما، چه باک از آنکه حریق جهانی روی دهد، غیرانسانی و رذیلانه است. حق آن است که ما بی‌تردید، موظفیم منافع نسل‌های آینده را نیز به‌خاطر خود آنها مراعات کنیم (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳).

بحران‌های زیست‌محیطی در ایران به‌عنوان یکی از شدیدترین بحران‌های زیست‌محیطی در جهان شناخته شده است (هیدجازی و عربی، ۲۰۰۹، ص ۱۲۹) و چالش عمده آن، افزایش سریع جمعیت و ارتباط تنگاتنگ آن با مشکلات زیست‌محیطی می‌باشد. گسترش شهرنشینی روندی است که شهرها را به سوی زیرساخت‌های نامناسب سوق می‌دهد. شهرهای بزرگ بیش از حد پرجمعیت هستند. برای مثال، تهران به‌عنوان یک کلانشهر در ایران، بیش از ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد. میلیون‌ها ماشین قدیمی با مصرف بنزین، هوا را آلوده می‌کنند و هزاران شرکت و پالایشگاه داخلی در شهر و اطراف آن استانداردهای زیست‌محیطی را نادیده

آهنگ معمولی انقراض بسیاری از منابع زیستی جهان سرعت یافته و در نتیجه تخریب مداوم جنگل‌ها و سایر زیستگاه‌های غنی زیستی و همچنین شخم بیش از حد زمین، آلودگی و استفاده نامناسب از جانوران و گیاهان غیربومی، سریع‌تر هم می‌شود. از آغاز قرن بیستم، استفاده از انرژی ۱۶ برابر، تولید صنعتی ۴۰ برابر، استفاده از آب ۹ برابر، ماهی‌گیری ۳۵ برابر، انتشار دی‌اکسیدکربن ۱۷ برابر، و انتشار گوگرد ۱۳ برابر افزایش یافته است؛ این درحالی است که جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی در حال تسریع می‌باشد (McMichael, 2009, p. 8). در همین زمان جمعیت دنیا از ۱/۲ میلیارد نفر در اواخر قرن بیستم، به حدود ۶/۷ میلیارد نفر افزایش یافته است و این یک افزایش ۵ برابری را نشان می‌دهد (یونسکو، ۲۰۰۹). مرور اخیر که از سوی سازمان ملل متحد انجام شده است نشان داد در صورتی که روندهای تولید و مصرف فعلی ادامه یابد، ممکن است با یک بحران اجتناب‌ناپذیر تغییر جوی مواجه گردیم که سیستم‌های بوم‌شناختی جهان و سلامت و تندرستی انسان را تهدید خواهد کرد (UNEP, 2008).

انسان‌ها با هر نوع عقیده‌ای که دارند خود را ملزم به رعایت یک سری اصول اخلاقی فردی و اجتماعی می‌دانند؛ زیرا رمز موفقیت و حیات جامعه نیز پای‌بندی به همین اصول است. امروزه بحرانی که برای محیط‌زیست به وجود آمده نتیجه خارج شدن از این ارزش‌های اخلاقی است. از این رو، برای بیرون آمدن از این بحران باید به دنبال یک راه‌حل عقلایی باشیم؛ زیرا فرد متمدن برای ادامه زندگی نیاز به اصول و ارزش‌های اخلاقی دارد و بدون آن ادامه مسیر غیرممکن است. چون انسان به‌خاطر سودجویی‌ها،

در مورد محیط‌زیست، و مسئولیت‌های شهروندان صورت گرفته است؛ تقسیم وظایف، تدابیری برای صیانت و حفاظت از محیط‌زیست، بیان اهمیت و فواید محیط‌زیست در وضعیت جسمی و روانی افراد و جامعه و... موضوعاتی هستند که در قالب آیات و روایات به مسلمانان عرضه شده است. نگاهی به تعداد آیات قرآن که درباره محیط‌زیست اختصاص داده شده است و نیز حجم روایات که در این باره نقل گردیده، نشان می‌دهد که اهمیت محیط زندگی در شکوفایی تمدن اسلامی و تأمین سلامت و امنیت روانی جامعه فوق‌العاده است.

در ادبیات نیمه قرن بیستم به بعد چنین مطرح می‌شود که مشکلات زیست‌محیطی که به دست انسان به وجود آمده است، تماماً نمی‌توانند با به‌کارگیری فناوری صرف، حل شوند. تغییرات در رفتار انسان، مورد نیاز است و اهمیت این موضوع تا حدی است که گفته می‌شود سمت‌وسوی علوم زیست‌محیطی از علوم محیطی و فیزیکی به سمت علوم رفتاری در حال تغییر و انتقال است. بنابراین، به مجموعه مقررات رفتاری بر پایه اخلاقیات زیست‌محیطی نیاز است تا رابطه بین انسان و طبیعت مجدداً مورد بررسی قرار گیرد (محبوبی، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

در سال ۱۹۷۵م به منظور پیگیری کامل توصیه‌های کنفرانس استکهلم در زمینه نقش آموزش در اخلاق، کارگاه بین‌المللی آموزش حفاظت از محیط‌زیست و توسعه یونسکو در بلگراد یوگسلاوی تشکیل شد و این کارگاه اصول و خطوط برنامه جهانی آموزش حفاظت از محیط‌زیست را تهیه کرد. زمینه اصلی این برنامه، ایجاد اخلاق جهانی جدیدی در مردم در برخورد با محیط‌زیست بود.

در این میان، یکی از حوزه‌های فکری اصلی که در

می‌گیرند. با توجه به گزارش نوامبر ۲۰۱۰ وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی، آلودگی هوا هر ساله باعث مرگ بیش از ۱۰۰۰۰ نفر می‌شود که یک سوم از این تلفات در تهران رخ می‌دهد (هرچند تنها ۱۵ درصد از جمعیت ایران در تهران سکونت دارند). ایران از سال ۲۰۰۹ افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های خود را در دستور کار قرار داده است و اکنون در حال تولید بنزین کم‌کیفیت است که این باعث تشدید آلودگی هوا می‌شود (World Bank, 2011, p. 14).

بخش عمده‌ای از معضلات زیست‌محیطی موجود، ریشه در فقدان آگاهی‌های لازم و ضعف فرهنگی در زمینه ارتباط انسان و طبیعت دارد و در واقع، نوعی مشکل فرهنگی محسوب می‌شود؛ یکی از راه‌های ممکن برای حل این مشکل، آموزش حفاظت از محیط‌زیست به شهروندان است. دولت، مدارس، دانشگاه‌ها و... باید به این موضوع اولویت بدهند و به تولید اخلاق زیست‌محیطی در مراکز آموزشی اقدام نمایند (شبییری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۲). رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه می‌فرمایند: «شیوه‌های ناصحیح و غیرعادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط‌زیست در کشورمان نشان‌دهنده فقدان آگاهی‌های زیست‌محیطی و ضعف سازوکارهای قانونی در صیانت از محیط‌زیست و جلوگیری از آلوده ساختن آن است. برای از بین بردن این نقیصه بزرگ و اساسی باید آگاهی افراد نسبت به مسائل زیست‌محیطی افزایش یابد و مدیریت‌های کلان در ایجاد ساختار مناسب همراه با الزامات قانونی برای رعایت حقوق عمومی تلاش کنند و انگیزه‌ها و حساسیت‌ها را برای مقابله با آلاینده‌ها بالا ببرند» (۱۳۸۲/۳/۲۱).

در منابع و مآخذ اسلامی تأکید و عنایت ویژه‌ای

برای پرورش حس مسئولیت و افراد آموزش‌دیده برای حل مسائل را به رسمیت می‌شناسد.

در ایران هم، سازمان حفاظت محیط‌زیست نظر به اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر وظیفه عمومی در قبال حفاظت از محیط‌زیست، در شرایطی که محیط‌زیست در سطوح ملی و جهانی مورد تهدید جدی قرار دارد، اطلاع‌رسانی و اشاعه فرهنگ زیست‌محیطی را از مهم‌ترین اهداف و وظایف اساسی خود می‌داند؛ از این رو، در جهت پیگیری برنامه آموزش حفاظت از محیط‌زیست بین‌المللی تلاش همه‌جانبه‌ای را در سطح ملی برای آگاه‌سازی مردم نسبت به تهدیدات و خسارات وارده بر محیط‌زیست آغاز کرده است (بادکوبی، ۱۳۸۰). حفظ محیط‌زیست یک وظیفه اخلاقی و مستلزم مشارکت آحاد مردم است. این میراث‌گرانها و سرمایه‌عظیم، امانتی است که از گذشتگان ما بر جای مانده است و بشر امروز باید در پیش گرفتن منش اخلاقی و اجتماعی مناسب توأم با احساس مسئولیت آن را به صورت مطلوب به آیندگان بسپارد.

فروریختن پایه‌های باور دینی و کنار نهادن آموزه‌های اخلاقی و در نتیجه، خواسته‌های نامحدود و مطلق، موجب پیدایش جنگ، نزاع، زیاده‌خواهی، تجاوز از حد و حق خود، اختلاف و چند دستگی، اضطراب، دروغ، پرخاش، بی‌عدالتی، مصرف‌زدگی، تخریب طبیعت، افزایش گازهای گلخانه‌ای، استثمار، آلودگی و... می‌شود، زیرا تا درون انسان‌ها تحول پیدا نکند، برون و زیستگاه آنها نیز دگرگون نخواهد شد. توجه به اخلاق در حفاظت از محیط‌زیست را می‌توان بیانگر اهمیت بعد نرم‌افزاری حفاظت در کنار بعد سخت‌افزاری و فنی

دوران معاصر توانسته است پیوندی میان تفکرات نظری در رشته‌هایی همچون فلسفه و الهیات و مسائل و معضلات عملی زندگی بشر برقرار نماید، دانشی است که از آن به اخلاق کاربردی (Applied Ethics) تعبیر می‌شود. اخلاق زیست‌محیطی از شاخه‌های این دانش است. در این اخلاق برای حل مسائل ناشی از بحران زیست‌محیطی، که می‌توان گفت خطیرترین بحران جهان کنونی است، چاره‌جویی می‌شود. اخلاق زیست‌محیطی و مسائل قابل طرح در این دانش دامنه گسترده‌ای دارند (رحمتی، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

اخلاق زیست‌محیطی به‌طور کلی به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که رعایت آنها در تولید، مصرف و دیگر شئون زندگی منجر به کم‌ترین ضایعات و صدمات زیست‌محیطی می‌گردد، ضمن اینکه اساس زندگی را با مشکل مواجه نمی‌سازد. بر اساس این رویکرد، نوعی از برنامه‌ریزی و طراحی مدنظر است که در آن به چرخه طبیعی حیات توجه شده و بر استفاده از وسایلی که طبیعت در اختیار انسان نهاده، مبتنی باشد (پرتوی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). به عبارت دیگر، اخلاق محیط‌زیست، اخلاق استفاده، تخصیص، بهره‌برداری و حفظ منابع است و در درجه اول بر حفظ سلامت جهان طبیعی شامل جنگل‌ها، آبزیان، زیست‌بوم و تنوع زیستی، و در درجه دوم بر حفظ عناصر و انرژی متمرکز است (عابدی سروستانی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

در اصل دهم دستور کار ۲۱ ریو آمده است: مسائل مربوط به محیط‌زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند؛ بنابراین، دستور کار ۲۱ برای مقابله با تغییرات جهانی محیط‌زیست، نیاز به تدبیر در استراتژی‌های مناسب،

نسبت به حفظ محیط‌زیست، تلاش می‌کند و شامل مجموعه‌ای از اجزای گسسته (اما مرتبط) می‌باشد (یونسکو، ۱۹۷۸ و ۱۹۹۳). این مجموعه می‌تواند شامل اطلاعات، آگاهی، نگرانی، نگرش‌ها و باورها، آموزش و پرورش، دانش، مهارت، سواد و رفتار مسئولیت‌پذیرانه نسبت به محیط‌زیست باشد (Hawthorne and Alabaster, 1999, p. 25). بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان، نخست به تعاریف هریک از اجزای این مجموعه و سپس به بررسی روابط بین آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

#### ۱-۱. اطلاعات زیست‌محیطی

اطلاعات زیست‌محیطی به منزله نخستین گام در جهت مشارکت شهروندان در مسائل زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده است (Wilcox, 1993). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که اولین گام در فرایند آموزش حفاظت از محیط‌زیست، دستیابی به اطلاعات از طریق رسانه‌هاست (Ostman and Parker, 1989). دستیابی به اطلاعات زیست‌محیطی در یک شهروند امری مهم است که می‌تواند به متغیرهای دیگری مانند سطح تحصیلات و یا طبقه اجتماعی مرتبط باشد (Bailey, 1971, p. 4). به دست آوردن اطلاعات زیست‌محیطی نه تنها یک نقطه شروع است، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند آموزش می‌باشد.

#### ۱-۲. آگاهی زیست‌محیطی

آگاهی‌های زیست‌محیطی دارای تعاریف متعددی است (Stap, 1969; Maloney, 1973; Reilly, 1990). بیشتر مردم از معضل گرمایش جهانی آگاهی دارند، اما چون عواقب آن را نمی‌دانند ممکن است آن را

آن دانست (عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۸۸). هدف از این پژوهش طراحی الگویی از عوامل مؤثر بر ایجاد اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان جهان و شناسایی روابط بین آنهاست.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با این هدف تهیه شده است که با طرح ضرورت اخلاق زیست‌محیطی در جامعه، عوامل مؤثر بر ایجاد آن را در قالب یک الگو بررسی نماید. برای تألیف اطلاعات مقاله حاضر، یافته‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی بررسی و تنظیم شده‌اند. با بررسی هریک از عوامل مؤثر بر ایجاد اخلاق زیست‌محیطی، تمام این عوامل به‌طور جداگانه مورد بررسی و تمام روابط بین آنها مورد تحلیل قرار گرفت تا میزان تأثیر هریک از آنها به ایجاد اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان سنجیده شود.

#### ۱. عوامل ایجاد اخلاق زیست‌محیطی

از دهه ۱۹۷۰ بدین سو، درک ما از عواملی که پشتوانه اخلاق زیست‌محیطی هستند، بسیار رشد کرده است. مثلاً، می‌دانیم گرچه اطلاعات می‌تواند بر نگرش‌ها اثر بگذارد و نگرش‌ها معمولاً پیش‌درآمد رفتار مطلوب هستند، اما از عوامل بسیار دیگری تأثیر می‌پذیرد و از راه‌های متعددی می‌توان آن را توضیح داد. ارائه اطلاعات در مورد محیط‌زیست و انتخاب‌های زیست‌محیطی، همچنان نقش مهمی در آموزش حفاظت از محیط‌زیست خواهد داشت، اما تنها نقش‌آفرین در ایجاد اخلاق زیست‌محیطی نیست (هانگرفورد و دیگران، ۱۹۸۰، ص ۴۲). تعاریف موجود از آموزش حفاظت از محیط‌زیست و ایجاد اخلاق زیست‌محیطی بیان می‌کند: آموزش حفاظت از محیط‌زیست یک فرایند است که برای ایجاد یک جمعیت مسئولیت‌پذیر

برای پشتیبانی و افزایش زندگی انسان، محیط زیست را حفظ می‌کنند. مثالی برای نگرش طبیعت محور اینکه، احترام به حیوانات به دلیل این است که اجزای مهم و زیبای جهان هستند. درحالی که اگر دلیل اصلی احترام به حیوانات، سود آنها برای بشر باشد، به انسان محوری اشاره دارد (تامپسون و بارتون، ۱۹۹۴، ص ۱۴۹). در واقع، پایه‌های طبیعت محوری و انسان محوری، پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار زیست محیطی هستند. همان‌گونه که توسط فیشبن و آجزن (۱۹۷۵) گفته شده، نگرش‌ها هستند که قصدهای رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند (فیشبن و آجزن، ۱۹۷۵).

#### ۱-۴. نگرانی زیست محیطی

دانشمندان علوم اجتماعی برای تعیین سطح نگرانی‌های زیست محیطی در جامعه پژوهش‌هایی را انجام داده (Hackett 1992, Dunlap and Van Liere, 1978) و به این نتیجه رسیده‌اند که بین نگرانی‌های زیست محیطی و اخلاق زیست محیطی رابطه‌هایی وجود دارد. برای اندازه‌گیری مفهوم نگرانی‌های زیست محیطی تعدادی از عوامل مختلف مانند درک مشکلات زیست محیطی و مسائل زیست محیطی، حمایت دولت از هزینه‌های حفاظت محیط زیست، دانش مسائل و مشکلات زیست محیطی و رفتار وجود دارد (Weigel, 1978, p. 9).

#### ۱-۵. متغیرهای شخصی

برخی از محققان بر این باورند که متغیرهای شخصی با ارزش‌های اخلاقی ارتباط دارند (Newhouse, 1990, p. 26).

به‌عنوان یک تهدید درک نکنند. این نوع آگاهی از نظریه نوع دوستی اسچوارتز (Schwartz's) اقتباس شده است که بیان می‌کند: زمانی که یک فرد از پیامدهای مضر یک وضعیت زیست محیطی آگاه باشد و خود را مسئول این تغییر شرایط بداند، رفتاری بهتر با محیط زیست خواهد داشت. این نوع آگاهی، انگیزه‌ای برای رفع مشکلات زیست محیطی خواهد بود و باعث تقویت بروز اخلاق زیست محیطی خواهد شد (Stern et al, 1993, p. 322).

#### ۱-۳. نگرش زیست محیطی

نگرش‌ها واکنش‌هایی ارزش‌گرایانه به اشیا یا رفتارها بر اساس باورها در مورد آن اشیا یا رفتارها هستند. در روان‌شناسی اجتماعی، نگرش‌ها از ارزش‌های کلی و باورهای اولیه نشئت می‌گیرند و پیش‌بینی‌کننده‌های فوری رفتار هستند. نگرش‌ها به جمع‌بندی و یکپارچه‌سازی ارزش‌ها و باورهای ما در مورد موضوعی خاص کمک می‌کنند (کلایتون، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

میلر و لوین (۱۹۹۶) نگرش‌های زیست محیطی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تمایل ایجاد شده درباره‌ی بعضی از ویژگی‌های محیط زیست که می‌تواند نوعی علاقه یا بی‌علاقگی و طرفداری یا بی‌اعتنایی را شامل شود» (میلر و لوین، ۱۹۹۶). به عقیده تامپسون و بارتون (۱۹۹۴)، نگرش‌های زیست محیطی بر دو مبنای طبیعت محور و انسان محور قرار دارند. نگرش‌های طبیعت محور اشاره به همدلی با طبیعت می‌کنند و ارزش طبیعت را به خاطر ذات خودش می‌دانند، درحالی که در نگرش‌های انسان محور تنها

این عوامل عبارتند از:

الف) مذهب: همواره به نقش مذهب در نگرش‌های اخلاقی اشاره شده است. یانگ (۱۹۹۱) بیان می‌کند کسانی که دلبستگی مذهبی دارند بیشتر نگران محیط‌زیست هستند و این دو با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند (یانگ، ۱۹۹۱).

از نظر بسیاری از دانشمندان، بحران زیست‌محیطی با این پیچیدگی و گستره، تنها حاصل برخی عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست. این بحران همچنین بحرانی اخلاقی و معنوی نیز هست که برای پرداختن بدان، ما به درکی فلسفی و دینی از خود به مثابه مخلوقات طبیعی نیازمندیم که در چرخه حیات به دنیا آمده و به اکوسیستم وابسته‌ایم؛ بنابراین، باید بار دیگر ادیان را با توجه به بحران زیست‌محیطی فعلی مورد بررسی قرار داد. این بدان سبب است که ادیان چه به صورت آگاهانه و چه ناخودآگاه، کمک می‌کنند نحوه تعامل خود را با طبیعت شکل دهیم. ادیان حاوی حکایات بنیادین تفسیری درباره ماهیت انسان و طبیعت (اینکه ما از کجا آمده‌ایم و به کجا خواهیم رفت) هستند. ادیان همچنین به ما می‌گویند که چگونه باید با دیگران رفتار کنیم و چگونه با طبیعت رابطه برقرار سازیم. این ارزش‌ها جهت‌گیری اخلاقی یک جامعه را می‌سازند. آتران و همکارانش (۲۰۰۵) در یکی از بهترین پژوهش‌های انجام‌شده در مورد مذهب و شناخت محیط‌زیست، نشان دادند که باور به قداست طبیعت محلی در میزان تخریب جنگل توسط سه گروه قبیله‌ای متفاوت در گواتمالا اهمیت زیادی دارد (آتران و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۷۴۸).

ب) عوامل اقتصادی: تحقیقات اخیر استرالیایی‌ها نشان می‌دهد: در حالی که اخلاق نظارتی و عوامل شخصی در درک مسائل زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند، عوامل اقتصادی نیز بر آن تأثیرگذارند (انگلهارت، ۱۹۹۵). انگلهارت (۱۹۹۵) ادعا کرد که جوامع باید پیش از اولویت دادن به اهداف محیط‌گرایانه، به سطحی از ثروت برسند که امکان تأیید ارزش‌های پساماده‌گرایی را به آنها بدهد. از نظر او، کسانی که در کشورهای غیرصنعتی و در حال توسعه زندگی می‌کنند، بر روی برآوردن نیازهای فوری از قبیل امنیت و رفاه اقتصادی تمرکز می‌نمایند و به محض دستیابی به یک ثبات اقتصادی، بر اهداف انتزاعی‌تر مانند حفاظت از محیط‌زیست تأکید خواهند کرد (کلاپتون، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

ج) رفتار مسئولیت‌پذیرانه نسبت به محیط‌زیست: رفتار مسئولیت‌پذیرانه همواره به عنوان یک اصل اجتماعی مطرح است. بسیاری از مردم ممکن است رفتار مسئولانه داشته باشند، حتی اگر آنها نگرشی قوی در مورد حفاظت از محیط‌زیست نداشته باشند (Newhouse, 1990).

د) احساس مسئولیت: اعتقاد این افراد آن است که حداقل تا حدی مسئول ایجاد و بیان راه‌حل‌های مشکلات زیست‌محیطی هستند (Hines et al, 1987). مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد: درجه‌ای از احساس مسئولیت‌های هر فرد به شدت در رفتار او با محیط‌زیست در ارتباط است. بیرهوف (۲۰۰۲) معتقد است: مردم کشوری که از احساس مسئولیت زیست‌محیطی بالایی برخوردار هستند این افکار را در ادبیات خود نیز ترویج می‌دهند (بیرهوف هری، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲).

## ۱-۶. آموزش حفاظت از محیط‌زیست

آموزش حفاظت از محیط‌زیست، بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت از محیط‌زیست است که به کودکان و بزرگسالان، بهترین شیوه ارائه مطالب و نحوه فعالیت‌ها و اجرای ساختاری در زمینه ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی را می‌آموزد تا از این طریق، هر فرد جامعه، خود را از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، مسئول در حفظ و حمایت از محیط‌زیست بداند. اگر واقعاً در پی محافظت از منابع و محیط‌زیست باشیم، می‌بایست در نهایت در رفتارهای کلیه جوامع در قبال زیست‌سپهر تغییراتی ایجاد شود. همچنین یکی از اهداف درازمدت آموزش حفاظت از محیط‌زیست، ایجاد تغییرات و تحول در گرایش‌ها و رفتارها (نسبت به طبیعت و محیط‌زیست) است، به نحوی که رفتارها و گرایش‌های جدید با اخلاق جدید زیست‌محیطی هم‌آوایی داشته باشند (میبودی و همکاران، ۲۰۱۲).

## ۱-۷. سواد زیست‌محیطی

سواد زیست‌محیطی، مستلزم درک عمیق و بنیادی نظام‌های دنیای طبیعت، درک روابط و تعامل‌های جهان زندگان و غیرزندگان و توان برخورد معقول با مسائلی است که باید با شواهد علمی، بی‌طرفی و با توجه به جنبه‌های اقتصادی، زیباشناختی و اخلاقی محیط‌زیست با آنها روبه‌رو شد. سواد زیست‌محیطی، توانایی درک و بیان تناسب نسبی بین سیستم‌های محیطی و عملکرد دقیق حفاظت، ترمیم و بهبود سلامت این سیستم‌هاست (کریم‌زادگان و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۰۶).

## ۲. بحث

خداوند متعال به هر موجودی با توجه به نقش و کارکردی که دارد، وظایفی را محول نموده، که بخشی از این وظایف خدمت به انسان‌هاست. به بیانی دیگر، همه موجودات عالم در این دنیا با یکدیگر در تعامل هستند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند، که در واقع، ارتباطات متقابل است و هر کدام می‌توانند در خدمت یکدیگر باشند. سیدحسین نصر می‌نویسد: «... همان‌گونه که خورشید بر مردان و زنان از شرق تا غرب می‌تابد و ستارگان شبانگاهی، زیبایی اسرارآمیز خویش را برای آنها که چشم بینا دارند - خواه در ژاپن، هند، عربستان و... خواه آمریکا نظاره‌گر آنها باشند - مکشوف می‌سازند، حکمت در باب طبیعت و مراقبت مشفقانه از آن نیز، آنچنان‌که ادیان مختلف می‌آموزند، متعلق به کلّ ابنای بشر است، هر کجا که می‌خواهند باشند، به شرطی که از موهبت درک زیبایی گل رز و نغمه بلبل برخوردار باشند؛ قرآن می‌فرماید: "مشرق و مغرب از آن خداست" (بقره: ۱۱۵). البته این بیان، معناهای متعددی دارد که یکی از آنها این است: آنجا که خورشید طلوع می‌کند و آنجا که غروب می‌کند، آنجا که جنگل‌ها زمین را می‌پوشاند، و آنجا که کوه‌های با عظمت سر به آسمان بیکران می‌سایند، آنجا که شن‌های روان بر سطح مکان‌های خالی پرسه می‌زنند، و آنجا که آب‌های آبی ژرف، آن عظمت لایتناهی آسمان را باز می‌تابند، همگی از آن خداوند هستند و به همین دلیل، با یکدیگر مرتبط‌اند، نابودی یک جزء از عالم خلقت، بر دیگر اجزاء به طرقی اثر می‌گذارد، که علم امروزی نتوانسته به آن برسد» (نصر، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰).



آموخته شده است، این است که اطلاعات جدید حتی ممکن است نتواند تغییرات مطلوب را در فراگیر ایجاد کند. فراگیر ممکن است تمام یا بخشی از اطلاعات جدید را دفع کند، یا آن اطلاعات را چنان تحریف کند که با آنچه از پیش باور داشته است هم‌خوانی بیشتری داشته باشد؛ پدیده‌ای که به «انسجام‌شناختی» معروف است. اما، چه بسا که حتی اگر باورهای جدید یا دقیق‌تری ایجاد شود، تغییر اساسی در نگرش رخ ندهد.

ارزش‌ها، معیارهای مهم مورد قبول یک فرد هستند و از آنجا که می‌توانند قدرتی نسبی بیابند، می‌توانیم از اولویت‌های ارزشی سخن بگویم. مثلاً، فردی ممکن است برای زندگی راحت و مادی‌گرایانه، و نیز محیط‌زیستی طبیعی و جذاب ارزش قایل باشد، اما به ارزش اول (زندگی راحت و مادی‌گرایانه) اولییتی بیشتر دهد. دویر و همکارانش (۱۹۹۳) در مطالعه خود دریافتند که تعهد به عمل کردن، احتمال آن را افزایش نمی‌دهد (دویر و همکاران، ۱۹۹۳، ص ۲۷۷).

آنچه این مطلب را پیچیده‌تر می‌کند، این است که شهروندان اغلب به موضوع‌های زیست‌محیطی وارد می‌شوند بدون آنکه به تأثیرپذیری تمام ارزش‌هایشان از موضوع یا تعریف واضحی از اولویت‌های ارزشی خود و یا شالوده اطلاعاتی خوبی برای پیش‌بینی پیامدهای آن ارزش‌ها توجه تام و تمام داشته باشند. در واقع، آماده‌سازی فراگیران برای گذراندن فرایندهای مشکل‌شفاف‌سازی ارزش‌ها و جمع‌آوری اطلاعات، به صورتی عینی و دقیق، از جمله وظایف عمده و اساسی آموزش

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تمام نظام جهان با یک نظم و ترتیب خاصی در ارتباط با خداوند متعال در حال حرکت است و بهترین و صحیح‌ترین راه‌ها، راهی است که به سوی او منتهی شود و دیگر راه‌ها به بیراهه رفتن است. با این وصف، حرکت بر اساس محوریت بشر منهای خداوند به معنای محور قرار دادن هوا و هوس است، که نتیجه‌ای جز فساد و نابودی دربر ندارد؛ زیرا تمایلات هوس‌آلود همیشه یک بعدی بوده و یکی از دلایل نابودی و تخریب محیط‌زیست هم همین برنامه‌های یک‌بعدی است.

عواملی که می‌تواند بر رفتار هر شهروند جهان در مورد مسائل و معضلات زیست‌محیطی اثر بگذارد پیچیدگی خاصی دارد. دانشمندان معتقدند که عوامل بسیاری در تأثیرگذاری بر ایجاد اخلاق زیست‌محیطی مؤثرند. نگرش‌ها در واقع، فرایندهایی ارزشی هستند که به تشخیص شخص از ارزش‌ها و نیز باورهایی که با موضوع نگرش مرتبط می‌داند بستگی دارند. آجزن (۱۹۹۱) نگرش‌ها را عامل مهم تعیین‌کننده مقاصد رفتاری می‌داند (آجزن، ۱۹۹۱، ص ۱۸۲). هاینس و همکارانش (۱۹۸۷) دریافتند که نگرش‌ها با رفتارهای حامی محیط‌زیست ارتباط دارند (هاینس و همکاران، ۱۹۸۷).

اطلاعات زیست‌محیطی هم می‌تواند بر نگرش‌ها و در نتیجه بر رفتار اثر بگذارد، اما اطلاعات در واقع، از طریق تأثیر باورها عمل می‌کند و این امر می‌تواند به تغییر نگرش منجر شود یا نشود. در این بحث، باور را صرفاً چنین تعریف می‌کنیم: آنچه یک فرد، حقیقت به شمار می‌آورد و به وضعیتی نسبت می‌دهد. درسی که از مدت‌ها پیش

است مدافع قانون یادشده باشد و تصویب آن را بخواهد، اما نداند که چه اقدامی باید بکند (فقدان مهارت)، یا آنکه ممکن است فرصتی برای این کار به دست نیاورد یا چنین فرصتی را تشخیص ندهد. این هم ممکن است که شخص فاقد «کانون کنترل» درونی برای تصویب قوانین زیست محیطی باشد. کانون کنترل، درک معرفتی شخص از توانایی خود برای تأثیرگذاری بر فرایند یک وضعیت است. این امکان هم وجود دارد که فردی موافق قوانین زیست محیطی که فرصت‌های موجود و نحوه استفاده از آنها را می‌شناسد، با این درک که رفتار او در نتیجه کار تأثیری ندارد، بلکه نیروی دیگری (شانس، قدرت دیگران و...) تعیین‌کننده نتیجه است، اقدامی نکند.

#### نتیجه‌گیری

منابع طبیعی شامل آب، خاک، هوا، کوه، جنگل و... است که این نشانه‌ها از مصادیق بارز نعمت‌ها و مواهب الهی برای انسان می‌باشد؛ از این رو، انسان وظیفه دارد در برابر این همه مواهب الهی در حفظ، احیا و آبادانی منابع طبیعی نهایت دقت و کوشش خود را به کارگیرد تا شکر نعمت‌های الهی را به جا آورد. انسان جزئی از وجود هستی است؛ جزئی که حق دارد از محیط‌زیست خود منفعت ببرد و از آن بهره‌برداری کند. بنابراین، انسان اداره‌کننده زمین است، نه مالک آن، اما از آنجاکه او در زمین به صورت امانت‌دار قرار داده شده، بر این اساس، واجب است در حد و اندازه‌ای که به او سپرده شده تصرف کند، نه بیشتر از آن، تا حقی ضایع نشود؛ زیرا

حفاظت از محیط‌زیست است. به هر حال، انسان فارغ از اینکه تا چه حد می‌تواند به کاوش جامع ارزش‌های خود و تعیین اولویت‌های آن بپردازد، وقتی موضوعی را ارزیابی می‌کند با استفاده از ارزش‌های مورد قبول و باورهای جا افتاده خود موضعی می‌گیرد و رفتارهایی را نشان می‌دهد.

مثلاً، هر کس در برخورد با مسئله امکان تصویب قانونی برای حفاظت از جنگل‌ها در برابر توسعه کشاورزی، می‌تواند ارزش‌های اقتصادی و نیز بوم‌شناختی، مجموعه‌ای از باورها در مورد گزینه‌های اقتصادی، ثمربخشی قانون پیشنهادی و تأثیر احتمالی پیش‌گیری از اقدامات کشاورزی را مشخص کند. اینکه مجموعه موارد یادشده نگرشی به نفع تصویب آن قانون ایجاد کند یا نه، از اینکه کدام ارزش بیشترین اولویت را دارد و پیامدهای ارزیابی او بر اساس باورهای جا افتاده خود چیست، تأثیر می‌پذیرد. حتی اگر ارزش‌های بوم‌شناختی، بالاترین اولویت را برای این فرد داشته باشند، اگر این قانون به نظر او بی‌ثمر بیاید نگرش او در تلاش برای تصویب آن می‌تواند منفی باشد. اگر ارزش‌های اقتصادی محکم‌تر از ارزش‌های بوم‌شناختی باشند، باور به اینکه گزینه‌های اقتصادی ثمربخشی در برابر توسعه جنگل‌ها وجود دارد، ممکن است به نگرش تلاش برای تصویب این قانون منجر شود. پیش‌بینی نگرش تنها بر اساس اطلاعاتی که به فراگیر داده می‌شود به وضوح مخاطره‌آمیز است.

پیش‌بینی رفتارها از این هم مخاطره‌آمیزتر است. حتی اگر گرایش‌های مساعد شکل گرفته باشند، چه بسا منجر به رفتار مطلوب نشوند. یک نفر ممکن

باورها عمل می‌کند و این امر تا حد زیادی به متغیرهای شخصی مانند مذهب، عوامل اقتصادی و احساس مسئولیت یک فرد بستگی دارد. اجزای ده‌گانه‌ای که ارائه گردید (اطلاعات زیست‌محیطی، آگاهی زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی، نگرانی زیست‌محیطی، مذهب، عوامل اقتصادی، رفتار مسئولیت‌پذیرانه نسبت به محیط‌زیست، احساس مسئولیت، آموزش حفاظت از محیط‌زیست و سواد زیست‌محیطی) عواملی هستند که دارای آغاز و پایان بوده و هر گام در تعامل با گام‌های دیگر است. چنانچه در عصر حاضر، برنامه‌ریزان عرصه‌های آموزشی توجه به عوامل تأثیرگذار در اخلاق زیست‌محیطی را نادیده انگارند، در آینده‌ای نه چندان دور شاهد بحران‌های زیست‌محیطی ناخوشایندی در جهان خواهیم بود.

#### منابع .....

بادکوبی احمد، ۱۳۸۰، آموزش محیط‌زیست برای دستیابی به توسعه پایدار، همایش بین‌المللی محیط‌زیست، دین و فرهنگ، تهران، سازمان حفاظت محیط‌زیست.

بیرهوف، هری، ۱۳۸۴، رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه رضوان صدقی‌نژاد، تهران، گل‌آذین.

پرتوی، پروین، ۱۳۸۰، «ملاحظات اخلاقی در معماری و شهرسازی؛ اخلاق زیست‌محیطی و توسعه پایدار»، هنرنامه، ش ۱۲، ص ۱۴۴-۱۵۳.

رحمتی انشاءالله، ۱۳۸۷، «اندیشه و نظر: خداباوری و اخلاق زیست‌محیطی»، فلسفه، کلام و عرفان، ش ۲۵، ص ۶۵-۶۰.

رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۳/۲۱، پیام به همایش حقوق محیط‌زیست.

استفاده از منابع طبیعی حق دیگران و حتی نسل‌های آینده نیز هست.

با توجه به جهان‌بینی اسلامی، می‌توان گفت: هر حرکت و عمل مثبتی از سوی انسان، اگر با انگیزه و نیت الهی باشد، آن عمل عبادت محسوب می‌شود. درخت‌کاری، آبیاری و حفاظت از درختان مثال‌هایی از فعالیت‌های سازنده و اصلاح‌گرایانه در عرصه محیط‌زیست به‌شمار می‌آیند. امر به رفتارهای هنجار زیست‌محیطی و نهی از رفتارهای نابهنجار زیست‌محیطی نیز یکی از موضوع‌هایی است که در دیدگاه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به ساختار وجودی انسان، طرح مباحث مربوط به اخلاق زیست‌محیطی یک ضرورت فراملیتی و جهانی است. همچنین استفاده از منابع محیط‌زیست باید در چارچوب خاصی صورت پذیرفته، از اسراف و استثمار خودداری شود؛ بنابراین، لازم است با آموزش و ترویج اخلاق زیست‌محیطی برای آحاد جامعه، آنان را برای تعامل صحیح با محیط‌زیست یاری رساند. یادگیری از طریق دریافت اطلاعات و آگاهی‌های زیست‌محیطی مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی رفتار زیست‌محیطی و در نتیجه، ایجاد اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان است. همچنین نگرش‌ها در واقع، فرایندهایی ارزشی هستند که به تشخیص شخص از ارزش‌ها و نیز باورهایی که با موضوع نگرش مرتبط می‌داند بستگی دارند. سواد زیست‌محیطی که قسمتی کوچکی از فرایند آموزش حفاظت از محیط‌زیست را دربر می‌گیرد، می‌تواند بر نگرش‌ها و در نتیجه بر رفتار اثر بگذارد، اما اطلاعات در واقع، از طریق تأثیر

- Since 1980", *Environment and Behavior*, n. 25, p. 275-321.
- Fishbein M & I. Ajzen, 1975, *Belief, Attitude, Intention Andbehavior: An Introduction to theory and Research*, Addison Wesley, Reading, MA.
- Hawthorne M & Alabaster T (1999). Citizen 2000: development of a model of environmental citizenship. *Global Environmental Change*, 9(1), 25-43.
- Hedjazi, Y, F. Arabi, 2009, "Factors Influencing Non Governmental Organization Participation in Environmental Conservation", *International Journal of Environmental Research, University of Tehran*, n. 1, p. 129-136.
- Hines, J. M, H. R. Hungerford, A. N. Tomera, 1987, "Analysis and Synthesis of Research on Responsible Environmental Behaviour: A Meta Analysis", *Journal of Environmental Education*, n. 18, p. 1-8.
- Hungerford, H. R, P. Ben and J. W. Richard, 1980, "Goals for Curriculum Development in Environmental Education", *Journal of Environmental Education*, n. 11, p. 42-47.
- Inglehart, R, 1995, "Public support for Environmental Protection: Objective Problems and Subjective Values in 43 Societies", *PS: Political Science*, n. 15, p. 57-71.
- Karimzadegan, H, H. Meiboudi, 2012, "Exploration of Environmental literacy in Science Education Curriculum in Primary Schools in Iran", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, n. 46, p. 404-409.
- McMichael, T., 2008, *Ecologically Sustainable Development: Will Recognition of Health Risks Revitalize the Debate?* , شبیری، سیدمحمد و سهراب عبدالهی، ۱۳۸۸، مفاهیم و کاربردها و نظریه‌ها در آموزش محیط‌زیست، تهران، پیام نور.
- عابدی سروستانی احمد، ۱۳۸۸، «بررسی دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی دانشجویان و استادان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان»، نشریه تحقیقاتی، ش ۲۰۴، ص ۶۵-۷۷.
- عابدی سروستانی احمد و منصور شاه‌ولی، ۱۳۸۸، «نقش ترویج کشاورزی در ارتقاء اخلاق زیست‌محیطی کشاورزان»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۲۰۱، ص ۱۲۰-۱۳۰.
- کلاتون، سوزان و جین مایرز، ۱۳۹۰، *روان‌شناسی حفاظت از محیط‌زیست (درک و ترغیب مراقبت انسان از طبیعت)*، ترجمه مجید صفاری‌نیا و همکاران، تهران، نسل فردا.
- محبوبی، محمدرضا و نورا رمضانی، ۱۳۹۰، «سنجش اخلاق زیست‌محیطی روستاییان در استان گلستان»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۳، ص ۶۷-۵۸.
- محمدی، مظفر. ۱۳۸۴، «اخلاق زیست‌محیطی»، *فلسفه، کلام و عرفان*، ش ۲۶، ص ۱۲۳-۱۳۷.
- نصر، سیدحسین، ۱۳۸۲، *نیاز به علم مقدس*، ترجمه حسن میان‌داری، قم، طه.
- Ajzen, I, 1991, "The theory of Planned Behavior", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, n. 50, p. 179-211.
- Atran, S & et al., 2005, "The Cultural Mind: Environmental Decision Making and Cultural Modeling Within and Across Populations", *Psychological Review*, n. 112, p. 744-776.
- Bailey, G. A., 1971, "The Public, the Media and the knowledge gap", *Journal of Environmental Education*, n. 2, p. 3-8.
- Dunlap, R E, K. D. Van Liere, 1978, "The New Dwyer, W. O. & et al., 1993, "Critical Review of Behavioral Interventions to Preserve the Environment: Research

- Rights of the Child*, Retrieved 1 November 2009, from www.unicef.org
- Weigel, J., 1978, "Environmental Concern: the Development of a Measure", *Environment and Behaviour*, n. 10, p. 3-15.
- Wilcox, D., 1993, *The Guide to Effective Community Participation*, Partnership Books, London.
- World Bank, 2011, *BTI 2012-Iran Country Report, World Development Indicators UNDP*, Human Development Report, Bertelsmann Stiftung.
- Young, K., 1991, Shades of Green, In: Jowell et al (ed.), *British Social Attitudes: The 8th Report*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Dissent, Autumn/Winter.
- Meiboudi, H. & et. al., 2012, "The Way to Succeed in Environmental Education is through People-to People Cooperation: A Case Study in Iran", *International Journal of Emerging Trends in Engineering and Development*, n. 6, p. 209-215.
- Miller, M D, T. R. Levine, 1996, In M. B. Salwen & D. W. Stacks (Eds.), *An integrated Approach to Communicationtheory and Research*, Mahwah, NJ, Lawrence ErlbaumAssociates, Inc.
- Newhouse, N, 1990, "Implications of Attitude and Behaviour Research for Environmental Conservation", *Journal of Environmental Education*, n. 22, p. 26-32.
- Ostman, R, J. Parker, 1987, "Impact on Education, Age, Newspapers and Television on Environmental Knowledge, Concerns and Behaviours", *Journal of Environmental Education*, n. 19, p. 3-9.
- Stern, P, T. Dietz, L. Kalof, 1993, "Value orientations, Gender Andenvironmental Concern", *Environment and Behaviour*, n. 25, p. 322-348.
- Thompson, S. C. G., M. A, Barton, 1994, "Ecocentric Andanthrocentric Attitudes toward the Environment", *Journal of Environmental Psychology*, n. 14, p. 149-157.
- UNEP, 2008, *UNEP Year Book, An Overview of Our Changing Environment*, United Nations Environment Programme.
- UNESCO, 1978, *Intergovernmental Conference on Environmental Education*, Tbilisi (1977), Final Report, UNESCO, Paris.
- UNICEF, 2009, *The State of the World's Children: Special Report Celebrating 20 years of the Convention on the*